



سفرهای سندباد



نویسنده : جان یومن
مترجم : حسین ابراهیمی (الوند)

سرشناسه: یومن، جان Yeoman, John

عنوان و نام پدیدآور: سفرهای سندباد / جان یومن؛ مترجم: حسین ابراهیمی (آوند).

مشخصات نشر: تهران: پیدایش، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری: ۱۴۴ص.

شابک: ۵-۶۰۰-۳۴۹-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: ۱۹۹۷, **The seven voyages of Sindbad the sailor**

موضوع: داستان‌های انگلیسی-- قرن ۲۰ م.

شناسه افزوده: ابراهیمی حسین، ۱۳۳۰- مترجم.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۷ س ۷۹۶ / PZ۳

رده‌بندی دیویی: ۸۲۳/۹۱۴ [ج]

شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۰۹۲۶۵



انقلاب، خ فخرآزی، خ ژاندارمری غربی، پلاک ۸۶- تلفن: ۶۶۹۷۰۲۷۰ نشر پیدایش

سفرهای سندباد زیر نظر شورای ادبی

- ناشر: پیدایش
- نویسنده: جان یومن
- مترجم: حسین ابراهیمی (آوند)
- ویراستار: ابراهیم اقلیدی
- امور فنی کتاب: مؤسسه انتشارات پیدایش
- چاپ دوم: ۱۳۹۰
- تعداد: ۲۰۰۰ نسخه
- لیتوگرافی: سیب
- چاپ: چارگل
- شابک: ۵-۶۰۰-۳۴۹-۹۶۴-۹۷۸
- سایت ناشر: www.peydayesh.com
- کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.
- قیمت: ۲۵۰۰ تومان

فهرست

۵	پیشگفتار مترجم
۹	یادداشت ویراستار
۱۳	سرگذشت سندباد بحری
۱۹	سفر اول
۳۵	سفر دوم
۴۹	سفر سوم
۶۵	سفر چهارم
۹۱	سفر پنجم
۱۰۹	سفر ششم
۱۲۵	سفر هفتم

پیشگفتار مترجم

سفرهای سندباد بحری چنان شهرت جهانی و عالمگیری دارد که از روی آن کتاب‌های گوناگون نوشته شده است و شرکت‌های فیلمسازی بارها از روی آن فیلم‌ها و کارتون‌های تلویزیونی ساخته‌اند. سازندگان برخی از این فیلم‌ها و کارتون‌ها گاه متن اصلی را به کلی نادیده گرفته و آن را با ماجراهای شخصیت‌های دیگری چون علی بابا درهم آمیخته‌اند، پرنده‌ای به نام شیلا وارد آن کرده‌اند و...

اما ماجراهای سندباد بحری چنان جذاب و دلنشین است که نیازی به این درهم آمیختگی ندارد. گرچه این ماجراها که اصل آن در کتاب هزار و یک شب آمده است و شهرزاد قصه‌گو

آنها را از شب چهارصد و پنجاهم تا شب چهارصد و شصت و چهارم تعریف می‌کند، در ترجمه به برخی زبان‌ها دچار دگرگونی‌هایی شده‌اند اما باز هم این ترجمه‌ها آشفتگی، گسیختگی و درهم آمیختگی فیلم‌ها و کارتون‌ها را که از روی آنها ساخته‌اند، ندارند.

از آنجا که متن ترجمه هزار و یک شب طسوجی (از عربی به فارسی) عباراتی دور از ذهن و قدیمی دارد و در دسترس همگان نیز نیست، تهیه و متنی نزدیک به متن اصلی، برای مطالعه علاقه‌مندان و به‌ویژه نوجوانان خالی از فایده نیست. مترجم با مطالعه نوشته‌ای از ماجراهای سندباد به زبان انگلیسی و به‌ویژه مشاهده طرح‌های تصویرگر صاحب سبک و مشهور یعنی کوینتین بلیک (Quentin Blake) تصمیم گرفت متنی تلفیقی از ترجمه متن مذکور و در عین حال هماهنگ با متن فارسی (هزار و یک شب، به سعی و اهتمام موسی فرهنگ، از انتشارات بنگاه مطبوعاتی گوتنبرگ، سال نشر ۱۳۳۷ شمسی) که ظاهراً براساس ترجمه عبداللطیف طسوجی (۱۲۶۰ هجری) تنظیم شده است، فراهم کند.

قابل ذکر است که در این کار متن طسوجی، ملاک و معیار کار بوده است نه متن انگلیسی. اما در یکی دو مورد که تصاویر

بلیک با متن اصلی همخوانی نداشت. به ضرورت نوشته انگلیسی را ترجیح داده‌ام. با این همه سعی شده است تا حد امکان سبک و سیاق نثر متن اصلی هزار و یک شب رعایت شود تا خوانندگان بهتر در فضای قصه گویی شهرزاد قرار بگیرند. در این میان نباید از حق گذشت که متن انگلیسی به متن طسوجی بسیار نزدیک است و شاید برای این کتاب، به کار بردن بازنویسی به جای ترجمه مناسب‌تر باشد. با این همه چون گاهی جمله‌های متن انگلیسی عیناً ترجمه شده‌اند. (به علاوه تصاویر کتاب نیز به متن انگلیسی تعلق دارند.) برای رعایت امانت از عبارت «ترجمه و نگارش» استفاده کرده‌ام.

حسین ابراهیمی (الوند)

دی‌ماه ۱۳۷۷

یادداشت ویراستار

شهریار، پادشاهی ایرانی، از خاندان ساسانی، به خاطر بی‌وفایی همسرانش، کینه‌زنان را به هل گرفته است. از این رو، او هر شب دوشیزه‌ای را به زنی می‌گیرد و صبح روز بعد، او را می‌کشد. شهرزاد، دختر وزیر، آخرین دوشیزه‌ای است که در شهر مانده است، چرا که پادشاه همه دوشیزگان جوان را یا گردن زده است یا آنها از ترس شهر را رها کرده‌اند. شهرزاد داوطلبانه به همسری شهریار در می‌آید و هر شب داستانی پرباندرز، آگاهی‌دهنده و شنیدنی برای شهریار حکایت می‌کند و درون هر قصه، نکته‌ای دلنشین از مهربانی و عاطفه انسانی می‌نشانند. سرانجام پس از هزار و یک شب، هنگامی قصه آخر به پایان

می‌رسد که شهریار از حالت دیوی خون آشام به صورت پدر سه فرزند یعنی انسانی مهربان در آمده است.

این خلاصه داستان اصلی هزار و یک شب است. شهرزاد حدود ۲۰۰ قصه را در هزار و یک شب باز می‌گوید که قصه‌های سندباد بحری، بخشی از این قصه‌هاست.

اصل هزار و یک شب به زبان عربی نوشته شده و چنین می‌نماید که در طول صدها سال به کوشش قصه‌گویان بازار و نویسندگان مختلف، از گوشه و کنار جهان گردآوری شده و در قرن‌های سیزدهم تا هفدهم میلادی به عربی نوشته شده است. اما به نوشته تاریخ‌نویسان عرب و ایرانی، سرچشمه این کتاب، کتاب‌های داستانی هندی، همچون اقیانوس داستان‌ها، پنج بند و هفتاد طوطی است که در ایران پیش از اسلام به زبان پهلوی یا فارسی ترجمه و گردآوری شده و هزار افسانه (هزار افسان) نام داشته است.

این کتاب در گذشته‌های دور چندان ارزش و اعتباری میان مردم بسیار باسواد نداشته است و اگر نسخه‌ای از آن در قرن ۱۷ میلادی، تصادفاً به دست آنتوان گالان فرانسوی نمی‌افتاد، شاید تا قرن‌ها بعد ناشناخته می‌ماند. نخستین بخش این کتاب که توسط یک عرب به گالان فروخته شد، سرگذشت سندباد

بحری بود که پس از ترجمه گالان در فرانسه و اروپا با پیشواز گرم مردم کتابخوان و معمولی روبه‌رو شد و همین، گالان را واداشت که به دنبال بقیه کتاب بگردد و تمام این کتاب را به فرانسوی ترجمه کند.

اندک زمانی بعد، هزار و یک شب به تمام زبان‌های اروپایی ترجمه شد و تا قرن‌ها بعد این کتاب، بهترین کتاب مورد علاقه مردم اروپا گردید و امروز در سراسر دنیا به صورت بازنویسی، فیلم‌های سینمایی و ویدیویی و کارتون باز آفرینی می‌شود.

هزار و یک شب در قرن ۱۹ به سفارش بهمن میرزا قاجار فرزند عباس میرزا به دست توانای عبداللطیف طسوجی تبریزی به فارسی ترجمه شد و در زمان ناصرالدین شاه قاجار در آستانه قرن بیستم چاپ و در شمارگان اندک منتشر گردید.

این کتاب از آن پس در میان خانواده‌های کتابخوان سراسر ایران دست به دست می‌گشت و خوانده می‌شد. اما متأسفانه از ۳۰ سال پیش به این سو، به دلیل رواج رادیو و تلویزیون و سینما، مردم وقت و حوصله برپا کردن محفل‌های خانوادگی قصه‌گویی نداشتند و نسل جوان‌تر این کتاب مهم را از یاد بردند.

شاید هم یکی دیگر از دلایل روی گردانی مردم از این کتاب زبان ادبی و سنگینی است که طسوجی برای برگردان آن به فارسی



- ناشر برگزیده سال ۱۳۷۶ کشور
- ناشر نخست چهارمین نمایشگاه بین‌المللی تصویرگران کتاب کودک ۱۳۷۸
- ناشر برگزیده (رتبه دو) جشنواره رشد ۱۳۸۰
- تقدیرشده در بانزدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب ۱۳۸۱
- ناشر برگزیده شانزدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب ۱۳۸۲
- ناشر برگزیده سال ۱۳۸۳ کشور
- ناشر برگزیده بیستمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب ۱۳۸۶
- ناشر برگزیده سال ۱۳۸۷ کشور
- ناشر برگزیده هشتمین جشنواره رشد ۱۳۸۹



www.Peydayesh.com



دفتر و فروشگاه مرکزی: خ. انقلاب، پ. فخرزایی، شهردار
ژانرمری غربی، پلاک ۸۶، تلفن: ۶۶۹۷۰۳۷۰

غول از شدت درد از جا پرید و چنان نعره گوش خراشی
کشید که نزدیک بود زهره ما از ترس بترکد. غول در
حیاط می گشت و ما به اطراف فرار می کردیم...